

گفت وگو با قاتلی که به دلیل سوءظن مرتکب قتل شد

# چیزی برای از دست دادن ندارم

یک سوءظن از او قاتل ساخت و حالا در یک قدمی چوبه دار قرار گرفته است. اگر خانواده مقتول رضایت ندهند، سرنوشتی جز چوبه دار نخواهد داشت. می‌گوید طوری زندگی کرده که الان از قصاص نمی‌ترسد و آن را حق اولیای دم می‌داند. این هفته روبه روی این متهم به قتل نشستیم و او از زندگی پرنجش گفت.

رستوران رفته و با زینت دعوا کردم. مدیر شرکت دخالت کرد که کنترل رفتارم را از دست داده و با پیچ‌گوشی چند ضربه به او زدم که باعث مرگش شد.

❖ **فرار کردی؟**

نه. کارگران رستوران اجازه فرار ندادند و همانجا دستگیر شدم. وقتی در پلیس آگاهی گفتم چرا آن مرد را کشتم، درباره ادعای من تحقیق کردند و مشخص شد بین زینت و آن مرد هیچ رابطه‌ای نبوده و آن مرد با توجه به وضعیت زینت، قصد کمک به مرا داشته است.

❖ **در این مدت زینت را دیده‌ای؟**

یک بار برای تحقیقات به اداره آگاهی آمده بود که برخورد تندی با من کرد. من به خاطر عشق او مرتکب این جنایت شدم اما او با من برخورد تندی کرد. زندگی‌ام را روی قول‌های کسی بنا کرده بودم که خودش به آن قول‌ها اعتقاد ی نداشت.

❖ **در این مدت ملاقاتی داشتی؟**

چند بار مادر بزرگم به ملاقاتم آمد.

❖ **پدر و مادر ت؟**

نه.

❖ **اوضاع در زندان چطور است؟**

به این شرایط عادت کرده‌ام. روزهای

اول سخت بود اما بعد عادی

و شبیه هم شد.

❖ **از قصاص نمی‌ترسی؟**

من طوری زندگی کرده‌ام

که چیزی برای از دست

دادن ندارم. یک نفر را

به خاطر خودخواهی‌ام

کشتم و حالا باید تاوان

آن را بدهم. قصاص حق

اولیای دم است و من آماده

آن هستم.

طلاق؟ تعجب کردم و گفتم بله چطور؟ بعد که بیشتر صحبت کردیم متوجه شدم خودش هم بچه طلاق است و شرایط مرا داشته و مرا درک می‌کند. او خیلی با محبت بود و من که محبت ندیده بودم خیلی زود جذب او شدم. جذب که نه وابسته او شدم. صحبت‌های ما در چت، کم‌کم به قرار در کافی‌شاپ رسید و خودم را در آینده در کنار او می‌دیدم. او هم به من علاقه داشت و قرار شد تا می‌توانیم پس‌انداز کرده و با آن خانه‌ای اجاره کنیم. این طوری می‌توانستم به خواستگاریش بروم. زینت برای اینکه کمک‌حال من باشد در یک شرکت خصوصی مشغول به کار شد و هر ماه بخشی از حقوقش را به من می‌داد.

❖ **پس مشکلاتان چه بود؟**

تغییر ناگهانی رفتارش. بعد از چند ماه کار کردن در شرکت، رفتارش تغییر کرد و دیگر علاقه‌ای به من نداشت و حتی یک بار در دعوا گفت از من متنفر است. این رفتارش باعث شد به او شک کنم و چند روزی تعقیبش کردم. او

هر روز عصر سوار ماشین مدیر شرکت می‌شد و تا نزدیکی خانه با او می‌آمد. حتی چند بار به رستوران رفتند. وقتی به زینت اعتراض

کردم مدعی شد من بیمار و شکاک هستم و رابطه او با رئیس شرکت در حد یک رابطه

کاری است.

❖ **چرا مدیر شرکت را**

**کشتی؟**

یک روز که به رستوران

رفته بودند به زینت

زنگ زدم که مدعی

شد هنوز در شرکت

است. عصبانی شده

و پیچ‌گوشی‌ای را

که زیر صندلی موتور

بود، برداشتم و داخل

❖ **چند سال داری؟**

۲۱ سال.

❖ **چقدر درس خواندی؟**

دیپلم.

❖ **کار می‌کردی؟**

با موتور مسافر و بسته جابه‌جا می‌کردم.

❖ **چرا قتل؟**

به خاطر حماقت و نفهمی. من در زندگی ناخواسته در مسیری قرار گرفتم که ریل‌گذاری آن مرا به اینجا رساند.

❖ **چطور؟**

بچه طلاق که باشی، حرف‌های مرا درک می‌کنی. تا وقتی زیر یک سقف با پدر و مادری، دعوا و کتک‌کاری می‌بینی و وقتی هم آنها جدا می‌شوند حس یک موجود اضافه به آدم دست می‌دهد که پدر و مادر دنبال راهی هستن از سرش خلاص شوند. من دقیقاً همین وضع را داشتم. پدر و مادرم بعد از چند ماه رفتند دنبال زندگی خودشان و من ماندم و مادر بزرگی که دوست داشت مرا به روش‌های سنتی تربیت کند.

❖ **منظورت از تربیت سنتی چیست؟**

باید ساعت ۹ شب می‌خوابیدم و صبح زود بیدار می‌شدم. مریض که می‌شدم به جای اینکه مرا دکتر ببر، داروهای گیاهی با طعم زهرمار به خورد من می‌داد. مخالف جدی موبایل بود. بعد از مدرسه باید سریع برمی‌گشتم خانه و غذای بیرون از خانه را سم می‌دانست.

❖ **خب برگردیم به اصل ماجرا! چرا مرتکب قتل شدی؟**

چون فکر می‌کردم مقتول به دختر مورد علاقه‌ام نظر دارد.

❖ **فکر می‌کردی؟**

نتوانستم حرفم را ثابت کنم.

❖ **با این دختر چطور آشنا شدی؟**

در اینستاگرام. من در اینستاگرام صفحه‌ای داشتم و دلنوشته‌هایم را آنجا می‌گذاشتم. دنبال‌کننده‌های زیادی داشتم. یک روز دختری به من در دایرکت پیام داد که بچه



بچه طلاق که باشی، حرف‌های من را درک می‌کنی. تا وقتی زیر یک سقف با پدر و مادری، دعوا و کتک‌کاری می‌بینی. وقتی هم آنها جدا می‌شوند حس یک موجود اضافه به آدم دست می‌دهد که پدر و مادر دنبال راهی هستند که از سرش خلاص شوند



<p>برگ سبز، کارت، سند کمپانی و پلاک بدنه خودرو پژو پارس، مدل ۱۳۸۸، به رنگ سفید، شماره انتظامی ایران ۴۴-۶۱۷ م ۵۷ شماره موتور 12488054189 و شماره شاسی NAAN01CA89E835682 به نام سحر جوهر مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.</p>	<p>برگ سبز، سند کمپانی و برگ سبز سواری هاچ بک پژو ۲۰۶TJ۲، مدل ۱۳۹۶، رنگ سفید روغنی، شماره موتور 165A0084461 و شاسی NAAP03EE5HJ054929 شماره ۷۹۱ د ۶۹ ایران ۴۶ به نام وحید منصوری سنگری مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.</p>	<p>برگ سبز خودرو سمند ایکس ۷ مدل ۱۳۸۲ پلاک انتظامی ۱۴۶ ن ۴۱ ایران ۶۷ رنگ تفره‌ای متالیک، شماره موتور 12482011838 و شماره شاسی 82246564 به نام احمد حق نژاد مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.</p>	<p>برگ سبز، سند کمپانی، کارت سوخت کامیونت ون زامیاد مدل ۹۸ رنگ آبی روغنی به شماره پلاک ۵۹ د ۶۹۶ ایران ۵۸ به شماره موتور Z248256292 شماره شاسی NAZPL140B10564573 به نام محمد رضا سلیمانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.</p>
<p>برگ سبز، سند، کارت و بیمه‌نامه خودرو تیستان مدل ۸۸ به شماره پلاک ۵۸ ایران ۶۵۴ ب ۵۴ متعلق به حسین بارگاهی فرزند عباس به شماره ملی ۲۵۲۱۲۰۷۲۲۹ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.</p>	<p>سند کمپانی خودرو ام وی ام ۵۳۰، مدل ۹۲، رنگ سفید، شماره موتور MVM484FFFA012560 شماره شاسی NATGCAVF9A1013079 به نام عباس قوییدل شال مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.</p>	<p>برگ سبز خودرو جیلی رنگ سفید مدل ۱۳۹۸، شماره پلاک ۳۸۱ ط ۵۹ ایران ۸۴ شماره موتور JLB-4G15J6CA4118069 و شماره شاسی NAVNFG12VKA103304 به نام کامل لوری آپکار مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.</p>	<p>سند کمپانی و برگ سبز خودرو اتوبوس بیاباتی اسکاتیا کلاسیک ۴۲۱۲، مدل ۱۳۹۰، به رنگ سفید روغنی، شماره انتظامی ایران ۲۳ ع ۴۹۹ ۶۵ شماره موتور 6630941 و شماره شاسی NCOCB12A0B1870833 به نام محمد سمعی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.</p>
<p>سند کمپانی پژو ۲۰۶ مدل ۸۶ به شماره پلاک ۸۴ ط ۲۱۱ ۳۹ و شماره موتور 14186027947 متعلق به حمید گیلانی به علت فقدان اسناد فروش نقضاتی رونوشت الکتی اسناد مذکور را نموده است، لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد، ظرف ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع در شهرک غرب- اول خیابان زرافشان غربی مراجعه نماید. بدیهی است پس از نقضاتی مهلت مذکور طبق مقررات اقدام خواهد شد.</p>	<p>مدارک فارغ‌التحصیلی اینجانب علیرضا پلاغی ایتالو فرزند حمیدرضا با شماره شناسنامه ۲۵۶۰۰۷۹۶۷۴ شماره از قضا در مقطع کارشناسی رشته حقوق با شماره ۱۶۹۰۱۱۲۰۱۵۹۵ و مقطع کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی با شماره سریال ۱۰۶۰۹۶۶ صادره از واحد دانشگاه آزاد اسلامی بندرعباس مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. از پابنده تقاضای می‌شود اصل مدارک را به دانشگاه آزاد اسلامی بندرعباس به نشانی: بلوار امام خمینی بلوار دانشگاه، پردیس دانشگاه آزاد اسلامی بندرعباس ارسال نماید.</p>	<p>برگ سبز خودرو هزدا مدل ۱۳۸۶، به رنگ سفید، شماره انتظامی ایران ۵۳ ۸۶۷ ۲۸۵ شماره موتور LF10371997 و شماره شاسی NAGASX7CC11B00529 به نام آزاده حمصی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.</p>	